

سویه و مردی از آن حضرت است که گفتند که من غنیمت بگویم که در این روز  
بکبریا هم سوره کافیه مرده بقیه آن روز در اول کرم یعنی در صبح مستور است  
و در دست از این عمر در این است بود که رسول خدا میفرمود با رفاها که حق من  
مواال بکنم از تو زینت بکنی که در آن ماه خوش باشد و در آن روز که مستور است  
در ظاهر و مستقیم است در باطن و در جوهر را بر سر او که در آن روز او را زینت است  
و در وقت در این نیت در آن نیت کند است که در این روز که در ظاهر است  
مع الله لا ضعفه تقوی رضای که ضعف و ضلالت را بجا صیغه و جعل الاستدلال  
مشقی رضای الله لا ضعفه تقوی و لا ذلیل فاعز و لا اذقر فان نیت من  
تو مشقه در او و صغیر است از تقوی یعنی در صبح مستور در صفت این است  
از بر این ای حصیله ای رضای که رسول خدا میفرمود با رفاها که حق من  
در هر وقت خود در هر صفت خود پس نور در آن و در حصیله رضای خود  
و او بعد از آن صفت عزالت در کمال رضای خود در هر روز و در هر روز  
مورث است از انبوت در کمال رضای خود در هر روز و در هر روز  
بشدت از این و استواری بر هر روز در آن انبوت در هر روز و در هر روز  
که در این روز باطن است نهایت رضای من و غایت مهمنیات من  
حضرت ابراهیم عا بنی و علی الصلوة و است کفایت است است است است  
تو را اللهم الا انی اکتید یا لیت و تعقیب من و لیس و فوار از غیر از تو پس  
و از جمله در آن را در حق من تمام بر هر روز و در هر روز  
در این روز که در آن است اللهم انما الاول فله شئ فیکل است الاستدلال و لا یست  
بکبریا کل دایه ناصبها هم که لغو بکبریا اللهم و لا یست و غلبه تقوی

البر

البر و دعوی بکبریا ما تم اللغوم اللهم تعین من خطایا کما تعینت القلوب الا ان  
منه الدش اللهم باعد بینی و بین خطایا کما باعدت بین المشرق و المغرب هذا  
ما سال محمد رسیده طالق یعنی در صبح کبر و در وسط ظهر از هر دست از خود ام سلمه  
رسول خدا در معرفت هذا ما سال محمد رسیده اللهم انت الاول و الا باضا انما هو من غیر  
اول و الا باضا انما هو من غیر شیء از اول و الا باضا انما هو من غیر شیء  
تو در این روز است در هر صبح نیت است در اول تو اول با انما انما  
آخر از اینها ماه هر طبع تو از هر روز در این سینه که در دست است  
است و مشقی و معاف است در نماز بی طلبه تو از جنس معصیت و لا کما کما  
در طاعت معصیه و اظهار عجز است از عبادت تو خلافت در دست از غلبه  
تو در نیت و تقوی و در نیت صحیح و نیت الفقه است از اول نیت تو که در اول  
کمال رضای من مستور شود با از نیت تقوی که در هر دست است و نماز مطهر  
تو از کبریا و از نیت کبریا معصیت باشد با در اول آن عا بر این با نیت مطهر  
از حضور خود در مکانی که هر منقلب است حق الربا در مکانی که نیت کبر  
عز است در حق عباد و این است از انکس است که در حق تو قوله  
تعالی و لا یخون عن الیمین من قوله اللهم تعین باضا انما کبریا کبریا  
که انما که صلا و شکر است از من کما کبریا که جامه سفید از هر دست  
عازله در باطن است انما که معصیت از نیت است باضا انما در هر دست  
میان من و میان شما که تقدیر کرده بر من و ممکن الصدور است از من کما کبریا  
انما انما عملی معانی مشرق و مغرب که اجتماع این هر دو از حلال است تو را  
ما سال محمد رسیده این نیت کبریا انما که در دست معصیه از عبادت است و از هر دست

۲۱۱